

## فرار مغزها و موقعیت پناهندگان ایرانی در سال 2010 بهرام رحمانی

### مقدمه

پدیده فرار مغزها که از اواسط قرن بیستم، مطرح شده بعد بین‌المللی دارد و به ایران محدود نمی‌شود. این واژه، برای نخستین بار در انگلستان و در رابطه با مهاجرت گسترده نیروی متخصص از این کشور به سوی کانادا طرح شده بود. در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، پدیده فرار مغزها در بعد بین‌المللی به طور گسترده مورد توجه قرار گرفت. بحث فرار مغزها، پیرامون مهاجرت نخبگان علمی و فرهنگی و نیز نیروهای متخصص- (دانش آموختگان آموزش عالی) از کشور خود، به سوی کشورهای مهاجرپذیر است.

بحث فرار مغزها در سال‌های ۱۹۶۰، در سطح سازمان‌های بین‌المللی چون یونسکو نیز مطرح شد و از جمله به جامعه ایران نیز گسترش یافت.

طبق کنوانسیون پناهندگان سازمان ملل متحد، که در سال ۱۹۵۱ تصویب شد و دولت ایران نیز یکی از امضاء کنندگان آن است، پناهنده کسی است که به خاطر نژاد، دین، ملیت، عضویت در یک گروه سیاسی یا اجتماعی و یا ترس از تعقیب و بازداشت در خارج از کشور خود به سر می‌برد و به دلیل این ترس، نه می‌تواند از حمایت کشور خود برخوردار شود، و نه خود مایل به قبول این حمایت است. به غیر از کنوانسیون ۱۹۵۱، به مرور مجموعه مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی دیگری نیز در جهان تصویب شده‌اند که دامنه تعریف پناهنده را گسترش می‌دهند. برای مثال، کنوانسیون‌های مربوط به مشکلات خاص پناهندگی در آفریقا در سال ۱۹۶۹ و اعلامیه ۱۹۸۴ پناهندگان در آمریکای لاتین. طبق این دو سند، پناهندگان بنا به دلایل بیش‌تری مورد حمایت قرار می‌گیرند.

در واقع افرادی که به دلیل تسلط نیروهای خارجی و یا خشونت و درگیری‌های عمومی کشورشان مجبور به فرار شده‌اند، پناهنده محسوب می‌شوند. در همه اسناد کنوانسیون‌های بین‌المللی، افرادی که به دلایل اقتصادی و یا زیست محیطی مجبور به ترک محل زندگی خود می‌شوند، منظور نشده‌اند. همچنین افرادی که در کشور خود مجبور به کوچ از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر گشته‌اند، پناهنده به حساب نمی‌آیند و به همین دلیل نیز از کمک‌های جهانی برخوردار نمی‌شوند.

بر مبنای گزارش کمیساری پناهندگی سازمان ملل متحد از سال ۲۰۰۶، شمار پناهجویان در سراسر جهان به شدت افزایش یافته است. بر اساس نظرسنجی موسسه گالوپ، در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ از ۲۶۰ هزار نفر در ۱۳۵ کشور حدود ۷۰۰ میلیون نفر در سراسر جهان خواستار مهاجرت به کشوری دیگر هستند. بیش‌ترین تمایل به مهاجرت در آفریقای جنوب صحرا با ۲۸ درصد جمعیت بزرگسال و کمترین تمایل در میان مردم آسیا با ۱۰ درصد جمعیت بزرگسال به



## سال ۲۰۱۱ به مردم جهان مبارک باد!

سال نو، سال ۲۰۱۱ از فراز همه پست و بلند سال پیشین فرامی‌رسد و مردم جهان به امید یک زندگی بهتر و برگزشتن از تمام تباهی‌های سال پیشین به پیش‌باز آن می‌روند.

سال گذشته، بر اثر سیاست‌های زیاده‌خواهانه حاکمان جهان، سالی نیکو نبود و مردم دنیا در سختی روزگار گذراندند. کم نبود جنگ و آدم‌کشی و سد و بند اندیشه و بیان و دشواری معیشتی که بر مردم فشار آورد و بی‌کاری و تنگ‌دستی که دل‌های بسیاری را آزرده و شکم‌های بسیاری را گرسنه نگاه داشت. کم نبود آزادی‌کشی در همه جای جهان، به ویژه در سرزمینی که حاکمیت پلید جمهوری اسلامی بر آن سایه دارد.

اما سال گذشته، در عین حال سال مبارزه با پلیدی و تبه‌کاری حاکمان جهان نیز بود و جنبش‌های اجتماعی بزرگی قد برافراشت و به پا خاست و حق خود را از حاکمان ستمگر جهان خواست.

مبارزه با دهان‌بندی و رهانی از بندهای بیانی نیز در سال پیشین، نمونه‌های تازه‌ای به خود دید که نوید رویکرد بخش بزرگ دیگری از مردم جهان به پیکار در راه آزادی اندیشه و بیان است. ویکی‌لیکس خود نمونه‌ای بود که دست به افشای بزرگ‌ترین دیکتاتوری جنگ‌افروز جهان زد و از سد و بند توطئه‌هایی که علیه آن شد، به یاری حمایت مردم جست و جهان را برای دور تازه‌ای از بیان واقعیت‌ها و افشای تباهی‌ها آماده ساخت.

اینک مردم در آستانه سال نو با دلی شاد، علی‌رغم ناشادی این جهان، روزگار تازه را آغاز می‌کنند تا بر تاریکی و سرمای آن چیره شوند و نور و شادی را به زندگی بازگردانند.

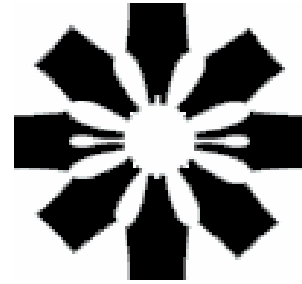
کانون نویسندگان ایران در تبعید، سالی پر از شادی و فارغ از هرگونه ستم و دهان‌بندی و تباهی برای مردم جهان آرزو می‌کند.  
متبرک باد تلاش در راه نور و آزادی و پیکار با تباهی!

کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
۳۱ دسامبر ۲۰۱۰

## اطلاعی‌ها

صفحات ۶ و ۷

## فرار مغزها و موقعیت پناهندگان ایرانی در سال 2010 بهرام رحمانی



**بانگ** آخر هر ماه منتشر می‌شود

سر دبیر: بهرام رحمانی

آدرس ایمیل:

[bahram-rahmani@ownit.nu](mailto:bahram-rahmani@ownit.nu)

آدرس سایت کانون:

[www.iwae.org](http://www.iwae.org)

## چند توضیح:

- بانگ، مطالبی را درج می‌کند که تنها برای این نشریه ارسال شده‌اند.
- مطالب بانگ، با «ورد فارسی» تایپ شوند و بیش‌تر از دو صفحه آ4 نباشند.
- مسئولیت مطالبی که در بانگ درج می‌شوند با نویسندگان آن‌هاست.

## منشور

## کانون نویسندگان ایران (در تبعید)

- ۱- دفاع از آزادی اندیشه و عقیده برای همه افراد و گروه‌های عقیدتی و قومی بدون هیچ حصر و استثناء.
- ۲- هرکس می‌تواند افکار و عقایدی که خود می‌پسندد، داشته باشد و هیچ فرد یا گروه یا مرجعی مجاز نیست افکار و عقاید خود را بر دیگران تحمیل و یا از ابراز عقیده و برخورد آزادانه افکار و عقاید جلوگیری کند.
- ۳- دفاع از آزادی بیان و نشر، و اشاعه افکار و عقاید و آثار فکری (هنری، فرهنگی، فلسفی و...) با استفاده از کلیه وسایل ممکن.
- ۴- مبارزه با هرگونه تبعیض و استثمار فرهنگی.
- ۵- در استقلال کانون از همه جمعیت‌ها، احزاب و سازمان‌های سیاسی اعم از مستقل یا وابسته به هر نوع نظام حکومتی، کانون ضمن آن که موظف به دفاع از کلیه حقوق و آزادی‌هایی است که با آزادی اندیشه و بیان و نشر و رشد فکری و فرهنگی جامعه ارتباط دارند، نمی‌تواند و نمی‌باید به هیچ شکلی تبدیل به ابزار یا محملی برای فعالیت هیچ جمعیت، حزب یا سازمان سیاسی خاصی شود.
- ۶- همکاری با کلیه کانون‌ها و انجمن‌های مشابهی که بدون داشتن وابستگی به گروه، جمعیت، سازمان یا حزب سیاسی خاص، از آرمان‌های عام آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی دفاع می‌کنند...

چشم می‌خورد. محبوب‌ترین کشور برای مهاجرت ایالات متحده آمریکا با 165 میلیون نفر و پس از آن بریتانیا، کانادا و فرانسه هر یک با 45 میلیون نفر هستند. اسپانیا، عربستان سعودی، آلمان و استرالیا کشورهای دل‌خواه بعدی مردم دنیا برای زندگی هستند.

همه ساله صدها نفر در جریان فرار از محل زندگی‌شان و یافتن شرایطی بهتر جان خود را از دست می‌دهند. این پناهندگان در سراسر جهان پراکنده‌اند: ایرانی‌ها، عراقی‌ها، افغانی‌ها، آفریقایی‌ها و غیره که در اردوگاه‌های پناهندگان ترکیه، یونان، ایران، کردستان عراق و غیره بلاتکلیف‌اند؛ انبوه پناهندگان سودانی، در چادرهای اردوگاه‌های چاد؛ پناهندگان برمه‌ای در تایلند، پناهندگان افغانی در ایران؛ و با آفریقایی‌هایی که از راه دریا، در قایق‌هایی پوسیده با به خطر انداختن جان خود، سرانجام خود را به سواحل مالتا و یا ایتالیا می‌رسانند تصویرها و خبرهایشان همه روزه در میان اخبار جهان منتشر می‌شوند.

برخی از نهادهای غیردولتی مانند کریسشن اینترنشنال، تعداد ایرانیان مهاجر را چهار میلیون تخمین می‌زنند. در دوره معاصر ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مهاجران ایرانی به طور مستقیم با رویدادها و تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران مربوط بوده است. به ویژه در پی تکان‌های سیاسی سال 88، موج تازه‌ای از پناجویان ایرانی در چهارگوشه جهان، پراکنده شده‌اند. در سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی، چندین مقطع موج پناهندگی ایرانیان صورت گرفته؛ از جمله در مقطع انقلاب، تشدید سرکوب‌های سیاسی سال 60 و جنگ ایران و عراق، سال 67 در پی قتل‌عام زندانیان سیاسی، سال 77 در جریان قتل‌های موسوم به «قتل‌های زنجیره‌ای».

آن‌گونه که آمارهای سازمان ملل می‌گوید هم‌اکنون بیش از 5 هزار ایرانی متقاضی پناهندگی، در ترکیه به سر می‌برند. این یکی از بزرگترین آمارهای تقاضای پناهندگی ایرانیان در دو دهه اخیر است.

هنوز به درستی مشخص نیست که برای مثال، چه تعداد روزنامه‌نگار ایرانی در ترکیه به سر می‌برند، اما می‌توان تا 70 خبرنگار و روزنامه‌نگار را در ترکیه نام برد. این‌ها به جز افرادی هستند که اکنون در کشورهای دیگر نظیر عراق یا اروپای غربی و آمریکای شمالی پناهمو هستند.

گفته می‌شود از سال 79 بیش از 400 تن از روزنامه‌نگاران ایرانی به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند. با نگاهی به فرار هزاران نفر از ایران، طی یک سال گذشته و اعمال و حشبانه حکومت اسلامی، باز هم برخورد دولت‌های پناهنده‌پذیر با پناجویان ایرانی، چندان انسانی نبوده است.

بی‌شک روزنامه‌نگاران، نویسندگان، هنرمندان، فعالین جنبش دانشجویی، جنبش کارگری و جنبش زنان، سرمایه‌های ارزنده انسانی جامعه ایران هستند که دنبالی از تجارب نظری و عملی در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تخصصی را با خود از کشور خارج می‌کنند. سرمایه‌هایی که جایگزین کردن آن‌ها، شاید دهه‌ها به طول انجامد.

با نگاهی به وضعیت پناجویان ایرانی در سال 2010، برخوردهای سخت‌گیرانه دولت‌های پناهنده‌پذیر از جمله در پذیرش پناجویان ایرانی و ریاکاری آن‌ها در دفاع از حقوق بشر و حقوق پناجویان را به نمایش می‌گذارد.

## فرار مغزها

در سال 2005، مقامات دولتی در ایران اعلام کردند که هر ساله میان 150 هزار الی 180 هزار متخصص و تحصیل‌کرده ایران را ترک می‌کنند.

آمریکا به همراه کانادا، همچنان از مقصدهای اصلی متخصصان ایرانی محسوب می‌شود. فقط از سال 1988 تا 1989، 180 هزار ایرانی از سفارت کانادا در ایران درخواست ویزای کار کرده‌اند. در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، نخبه‌ترین دانشجویان دانشگاه‌های ایران برای ادامه تحصیل، همچنان راهی اروپا، کانادا و آمریکا می‌شوند. بخش زیادی از آن‌ها، پس از پایان تحصیلات خود، به کشور بر نمی‌گردند.

اخیرا در ایران، بار دیگر بحث پیرامون پدیده «فرار مغزها» و دلایل و دامنه آن بالا گرفته است. برخی چون سال‌های گذشته، درباره پی‌آمدهای منفی فرار مغزها هشدار می‌دهند و در برابر شماری از سران و مقامات و مسئولین حکومت اسلامی، منکر وجود چنین پدیده‌ای دست‌کم در ابعاد گسترده می‌شوند.

کامران دانشجو، وزیر علوم دولت احمدی‌نژاد، تحقیقات و فن‌آوری با قدیمی قلمداد کردن آمارهای بین‌المللی در مورد مهاجرت نیروی انسانی ماهر ایران، گفته که: «ما به هیچ عنوان در کشور فرار مغزها نداریم و تکرار این جمله از سوی برخی از افراد، توهین به جامعه دانشگاهی است.» (خبرگزاری حکومتی مهر، 8 آبان 1389)

معاون دانش‌جویی وزیر علوم نیز با بیان این که «فرار مغزها» عنوانی خالی از علم و منطق است، گفت: «چرخش مغزها و چرخش علم داریم و باید هم داشته باشیم

صفحه 3

## فرار مغزها ... بهرام رحمانی

اما برخی می‌گویند شما (وزارت علوم) شرایطی به وجود آورده‌اید که افرادی که برای تحصیل به خارج می‌روند مبادرت به فرار می‌کنند! (مهر، 11 آبان 1389) محمود احمدی‌نژاد، رییس دولت دهم حکومت اسلامی نیز پیش‌تر در چند مورد اعلام کرده است که ایران مطلقاً فرار مغزها ندارد و او اصلاً «تعبیر فرار مغزها» را تعبیر درستی نمی‌داند.

این در حالی است که در گزارش صندوق بین‌المللی پول از آمار «فرار مغزها» از کشورهای مختلف در گوشه و کنار دنیا، ایران با از دست دادن سالانه حدود 180 هزار نفر فرد دارای تحصیلات دانشگاهی از نظر فرار مغزها مقام اول را به خود اختصاص داده است.

صندوق بین‌المللی پول، خروج رقم 180 هزار تحصیل‌کرده را معادل خروج سالانه 50 میلیارد دلار سرمایه از کشور ایران دانسته است.

وبسایت خبرآن‌لاین، در آبان ماه سال 1388، اشاره کرده که در میزگردی با عنوان «فرار مغزها؛ چالش یا فرصت» که در دانشگاه امیرکبیر برگزار شده اعلام شده است که «90 نفر از 125 دانش‌آموزی که در سه سال گذشته در المپیاد شرکت کردند از کشور خارج شده‌اند.»

در همین حال گفته می‌شود که به دنبال حوادث پس از نمایش و تقلب انتخابات خرداد ماه سال گذشته در ایران، بر موج مهاجرت ایرانیان و به ویژه فعالین سیاسی جنبش دانشجویی، جنبش زنان، جنبش کارگری، گروه‌هایی از وب‌لاگ نویسندگان، روزنامه‌نگاران، هنرمندان و جوانان از کشور به شدت افزوده شده است.

در پژوهش‌های بین‌المللی، سه عامل کلی در تشدید پدیده فرار مغزها مطرح است: 1- عامل اقتصادی و وضعیت بازار کار و درآمد؛ 2- عامل سیاسی در رابطه با عدم ثبات و یا فشارها و ناامنی سیاسی؛ 3- عوامل فرهنگی و اجتماعی، عوامل علمی و دانشگاهی از جمله کمبود امکانات پژوهشی و آموزشی.

### افزایش پناهندگان ایرانی در آلمان

بر اساس اعلام اداره مهاجرت و پناهندگان آلمان در سال 2009، 1170 نفر از شهروندان ایرانی از آلمان تقاضای پناهندگی کرده‌اند که این میزان در مقایسه با سال پیش از آن حدود 44 درصد رشد را نشان می‌دهد.

در سال 2008، تنها 815 ایرانی از دولت آلمان تقاضای پناهندگی کرده بودند. به گفته سخنگوی اداره مهاجرت و

پناهندگان آلمان «نارضایتی روزافزون شهروندان ایرانی تحت تاثیر سرکوب و فشارهای دولت» باعث افزایش مهاجرت از این کشور شده است.

در میان کسانی که به دنبال گسترش اعتراض‌ها به نتایج انتخابات ریاست جمهوری در ایران از آلمان تقاضای پناهندگی کرده‌اند، چند ورزشکار عضو تیم‌های ملی و دختر یکی از معاونان محمود احمدی‌نژاد نیز به چشم می‌خورند.

علاوه بر کسانی که از راه‌های مختلف و گاهی با پذیرش خطرهای فراوان خود را به آلمان رسانده و از این کشور تقاضای پناهندگی می‌کنند، هر ساله شمار زیادی از جوانان ایرانی نیز از طریق دریافت پذیرش تحصیلی از دانشگاه‌های آلمان وارد این کشور شده و بیشتر آن‌ها نیز هرگز به ایران باز نمی‌گردند.

بر اساس پیش‌بینی اداره مهاجرت و پناهندگان آلمان، در اوایل سال 2010 نیز ایران در کنار افغانستان و عراق بیش‌ترین میزان پناهجویان را راهی آلمان کرده است.

بر اساس اطلاعات منتشر شده از سوی اداره مهاجرت و پناهجویان آلمان، تنها در ماه اکتبر سال جاری 4 هزار و 755 نفر در این کشور درخواست پناهندگی کرده‌اند.

طبق آمار منتشر شده از سوی این اداره، در ده ماه نخست سال 2010، شمار افرادی که در آلمان درخواست پناهندگی کردند نسبت به ده ماه نخست سال قبل، بیش از 43 درصد افزایش داشته است. در این میان پناهجویان ایرانی، در شمار پنج ملیت نخست هستند که بیش‌ترین آمار را دارند. این پنج ملیت به ترتیب پناهندگان افغان، عراقی، صرب، سومالیایی و ایرانی هستند. بر اساس آمار اداره مهاجرت و پناهجویان آلمان در سال جاری میلادی، ۵۴ درصد از درخواست‌های پناهندگی رد شده است.

### افزایش بی‌سابقه پناهجویان ایرانی در ترکیه

در میان همسایگان ایران، ایرانیان همواره برای گریز از کشور و حفظ جان خود از تهدیدات حکومت اسلامی، راهی ترکیه می‌شوند. ورود به ترکیه نیازمند ویزا نیست و این برای کسانی که پاسپورت دارند امتیاز بزرگی است. آن‌هایی هم که پاسپورت ندارند از راه‌ها و بی‌راهه‌های کوه‌های سر به فلک کشیده مرز ایران و ترکیه، با به جان خریدن ده‌ها خطر، حتی خطر مرگ، گذر می‌کنند. در سی سال اخیر ترکیه مقصد بسیاری از پناهجویان ایرانی بوده است. ایرانیانی که قصد حفظ جان خود از تهدیدات حکومت اسلامی را داشتند و تجارب تلخ و شیرینی از کشورهای همسایه نظیر عراق و پاکستان، کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس و ترکیه دارند. مرز مشترک ترکیه با اتحادیه اروپا، وجود دفتر کمیساریای عالی سازمان پناهندگان در این کشور، پناهجویان

امنیت بیش‌تری در قیاس با عراق و افغانستان و پاکستان احساس می‌کنند به همین دلایل، ترکیه گزینه اصلی بسیاری از ایرانیانیست که ناچار به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند.

در پی وقایع سال 88، منابع خبری ایران و بین‌المللی از موج تازه‌ای به ویژه «فرار جوانان» از ایران و پناهنده‌شدن آنان به کشورهای غربی خبر داده‌اند. روزنامه آمریکائی «واشنگتن پست»، در یکی از شماره‌های چند ماه پیش خود، به وضع نابسامان پناهجویان جوان اشاره می‌کند. نویسنده این گزارش، با جمع‌آوری اطلاعات از مرزهای کشورهای هم‌جوار ایران یادآوری می‌کند که به دنبال سرکوب‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران و زندانی‌شدن هزاران تن از شهروندان ایرانی توسط حکومت بیش از چهار هزار نفر پس از گریز از ایران در کشورهای دور و یا نزدیک در خلیج فارس و اروپا و آمریکا پراکنده شده‌اند. در این میان گروه عظیم پناهجویان ایرانی که به علت عدم نیاز به روایت وارد ترکیه شده‌اند، در وضعیت دشواری در انتظار پذیرش درخواست خود از سوی سازمان ملل در شهرهای این کشور سرگردانند.

رییس دفتر امور پناهندگان سازمان ملل متحد در ترکیه نیز در اواخر سال 1388، از افزایش 80 درصدی شمار پناهجویان ایرانی پس از انتخابات ریاست جمهوری خرداد ماه خبر داده بود.

متین کاراباتیور، در این‌باره گفته بود: «در سال 2009 میلادی بیش از چهار هزار و 200 ایرانی به عنوان پناجو به دفتر امور پناهندگان سازمان ملل مراجعه کردند که از این میان 1800 نفر به عنوان پناهنده معرفی شده و 2400 پرونده نیز در مرحله بررسی است.»

بسیاری از کسانی که در پی دریافت پناهندگی از کشورهای غربی هستند با سفر به ترکیه و مراجعه به دفتر پناهندگان سازمان ملل تقاضای پناهندگی می‌کنند.

شهر کوچک نیغه در مرکز ترکیه، معمولاً برای سرویس‌های مخفی خارجی اهمیتی ندارد. با این همه، به گزارش روزنامه آلمانی «تاگس اشپیگل» در ماه‌های اخیر گه‌گاه سروکله جاسوسان حکومت اسلامی در این منطقه آشکار می‌شود. هدف آن‌ها، تعقیب مخالفانی است که از زمان انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته به این سو، ایران را ترک کرده‌اند.

تاگس اشپیگل، می‌نویسد که بسیاری از آن‌ها، از شرایط زندگی خود و تهدید جاسوسان حکومت اسلامی شکوه دارند. این روزنامه، می‌نویسد که دولت ترکیه تنها این پناهجویان را تحمل می‌کند، اما کار دیگری برایشان انجام نمی‌دهد. پناهجویان اجازه کار ندارند و باید هر چند روز یکبار خودشان را به پلیس محلی معرفی کنند.

27 کشور عضو اتحادیه اروپا به اضافه سه کشور نروژ، ایسلند و سوئیس که عضو این اتحادیه نمی‌باشند.

قرارداد دابلین، حوزه مسئولیت کشورهای عضو را تعریف و چگونگی رفتار با آن پناهجویی را مشخص می‌کند که با ویزای شنکن به یکی از کشورهای عضو قرارداد شنکن وارد و در کشور دیگری درخواست پناهندگی داده است. این قرارداد مشخص می‌کند تحت چه شرایطی درخواست چنین فردی بررسی، و یا در چه صورتی درخواست او رد شود و پرونده‌اش به کشور صادرکننده ویزا برگردانده شود.

قرارداد دابلین، ابتدا در سال 1990 از سوی 12 کشور اروپایی به اجرا گذاشته شد. با گسترش اتحادیه اروپا، تغییراتی به این قرارداد اضافه شد که از سال 1997 لازم‌الاجرا گردید. از آن زمان این قرارداد تحت عنوان دابلین 2 شناخته می‌شود.

«یوروداک» نیز با هدف هماهنگ‌کردن سیاست پناهندگی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا در روز 15 ژانویه سال 2003، تاسیس شد. با ایجاد یوروداک، از همه متقاضیان پناهندگی در همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا که تقاضای پناهندگی کنند انگشت‌نگاری شده و در این بانک عظیم اطلاعاتی که همه کشورهای عضو به اطلاعات آن دسترسی دارند، ثبت می‌گردد. اثر انگشت افرادی که تلاش کنند به صورت غیرقانونی وارد اتحادیه اروپا شوند نیز در یوروداک ذخیره می‌گردد، حتی اگر تقاضای پناهندگی هم نکرده باشند. هنگامی که اثر انگشت فردی در بانک اطلاعاتی یوروداک کشف می‌گردد، وی به اولین کشور اتحادیه اروپا که در آن تقاضای پناهندگی تسلیم کرده است تحویل داده می‌شود و آن کشور وظیفه رسیدگی به تقاضای پناهندگی متقاضی و در صورت دریافت پاسخ منفی وظیفه اخراج وی به کشور متبوعش را به عهده دارد.

بنا به معاهده دابلین که در سال 1997، بین همه کشورهای اتحادیه اروپا به اضافه نروژ و ایسلند به امضاء رسید و ایجاد بانک اطلاعاتی یوروداک نیز یکی از مفاد آن بود یک متقاضی پناهندگی موظف است در اولین کشور امضاءکننده قرارداد دابلین که وارد می‌شود تقاضای پناهندگی خود را تسلیم کند. همچنین کشوری که به یک متقاضی پناهندگی ویزای ورود داده باشد مسئولیت رسیدگی به یک تقاضای احتمالی پناهندگی از وی را نیز برعهده خواهد داشت.

باین ترتیب، دریافت جواب منفی به درخواست پناهندگی از یک کشور اتحادیه اروپا به معنی دریافت پاسخ منفی از کلیه کشورهای امضاءکننده است.

مقر بانک اطلاعاتی انگشت‌نگاری اتحادیه اروپا (یوروداک) در لوکزامبورگ قرار دارد.

### سخت‌گیری‌های دولت‌های پناهنده‌پذیر

عموما دولت‌های غربی، به دلیل اشباع شدن نیروی کار، افزایش بی‌کاری، بحران اقتصادی، ورود احزاب راست افراطی به پارلمان‌ها و غیره علاقه چندانی به پذیرش پناهندگان ندارند.

راه یافتن حزب دمکرات‌های سوئد به پارلمان در انتخابات اخیر جدیدترین نمونه از موفقیت راست‌های افراطی و خارجی ستیز اروپا در انتخابات است. در انتخابات پارلمانی سوئد در تابستان سال 2010، این حزب توانست 7/5 درصد از آرا و 20 کرسی از 349 کرسی پارلمان سوئد را به دست آورد. کسب این تعداد کرسی توسط حزب دمکرات‌های سوئد، نشان‌دهنده رشد احزاب راست افراطی در انتخابات پارلمانی است.

پس از اعلام نتایج انتخابات پارلمانی ماه ژوئن در هلند، حزب راست افراطی «آزادی» در جایگاه سوم قرار گرفته است. احزاب راست افراطی بخشی از دولت ائتلافی ایتالیا را تشکیل می‌دهند و همچنین در پارلمان کشورهای اتریش، بلغارستان، دانمارک، لتونی و اسلواکی دارای کرسی هستند. حزب ملی انگلیس (بی‌ان‌پی) در انتخابات اخیر محلی و اتحادیه اروپا پیروز شد.

واقعا چه عواملی وجود دارد که اروپایی‌ها را تشویق به حمایت از احزاب راست افراطی می‌کند؟ برخی از کارشناسان راست، صرفا افزایش حضور خارجی‌ان در کشورهای اروپایی را عامل رشد گروه‌های راسیستی و نازیستی معرفی می‌کنند. در حالی که بسیاری از کارشناسان سیاسی، بر این باورند رشد بحران‌های اقتصادی و بی‌کاری، اساسی‌ترین عامل احزاب راست افراطی در سال‌های اخیر در این کشورها شده است. اما در عین حال، احزاب راست افراطی هنوز هم در اکثر پارلمان‌های کشورهای اروپایی یک نیروی حاشیه‌ای به حساب می‌آیند.

### قراردادهای «شنکن» و «دابلین»

بیش‌تر از نصف پناهجویانی که به طور «غیرقانونی» وارد کشورهای اروپایی می‌شوند به دلیل سخت‌گیری‌ها، از کشوری به کشور دیگر می‌روند و اغلب‌شان با قراردادهایی به نام «شنکن» و «دابلین»، سال‌ها در کشورهای اروپایی سرگردانند. قرارداد «شنکن»، امر صدور ویزا بین آن بخش از کشورهای اتحادیه را هماهنگ می‌کند که این قرارداد را امضاء نموده‌اند. این قرارداد مقرر می‌کند که دارنده ویزا از یکی از این کشورها، تا زمان اعتبار ویزایش، این امکان را دارد تا بتواند به طور آزاد و بدون کنترل‌های مرزی به دیگر کشورهای عضو مسافرت کند. کشورهای عضو قرارداد شنکن عبارتند از:

خیلی از آن‌ها فقط برای این که زنده بمانند، به کارهای سیاه پناه می‌برند. تاگس اسپینگل، اضافه می‌کند که مسئولان ترکیه تا به حال بارها کوشیده‌اند ایرانیان را به کشورشان باز گردانند. دیوان عالی حقوق بشر در استراسبورگ تا به حال چند بار از ترکیه خواسته است که پناه‌جویان را به ایران باز نگرداند، زیرا مستردشدگان را فشار شدید و حتی بعضا مجازات مرگ تهدید می‌کند. ترکیه به عنوان عضو شورای اروپا، متعهد به اجرای احکام دیوان عالی حقوق بشر است.

تاگس اسپینگل، در پایان گزارش خود می‌نویسد: «مناسبات دو کشور در سال‌های گذشته همواره بهتر شده است. ترکیه یکی از نخستین کشورهایی بود که در سال گذشته پیروزی تردیدآمیز احمدی‌نژاد را به رسمیت شناخت. در ماه ژوئن امسال، ترکیه به قطعنامه تحریم ایران در شورای امنیت رای منفی داد.» خبرگزاری آسوشیئدپرس 3 آوریل 2010، به نقل از سازمان پناهندگان ملل متحد گزارش داد اکثر پناهندگان ایرانی به ترکیه می‌آیند، نزدیک به 1150 نفر از آن‌ها با استفاده از قانون ترکیه مبنی بر نداشتن نیاز به ویزا از مرز میان ترکیه و ایران استفاده می‌کنند. بیش‌تر کسانی که به تازگی وارد ترکیه می‌شوند به خاطر سرکوب‌های شدید سیاسی حکومت اسلامی، از ایران می‌گریزند. در ماه فوریه 2010، نزدیک به 4440 ایرانی در ترکیه حضور داشتند.

زندگی در ترکیه برای پناهجویان، خالی از خطر نیست. نیروهای امنیتی و اطلاعاتی حکومت اسلامی، آن‌جا نیز پناهندگان سیاسی را تهدید می‌کنند. پناهجویی که برای حفظ جان خود روزها و شب‌ها در دشت‌ها و کوه‌های مرزی سرگردان بوده‌اند هنگامی که خود را به ترکیه می‌رسانند با مشکلات جدیدی نظیر عدم پذیرش توسط دفتر سازمان ملل، انتظار طولانی در پذیرش پناهندگی، تهدیدات مداوم پلیس، بی‌پولی و نداری، عدم اجازه کار و همچنین با خطر تهدید عوامل اطلاعاتی حکومت اسلامی، مواجه می‌گردند. شهرهایی که پناهجویان فرستاده می‌شوند، اغلب دور افتاده و عقب مانده‌ترین شهرهای ترکیه هستند. این بخش از پناهجویان برای دسترسی به پرونده خود در دفاتر سازمان ملل در «انکارا» و «وان» دچار مشکل هستند. چرا که معمولا پلیس به آن‌ها اجازه خروج از شهری که زندگی می‌کنند را نمی‌دهد. آن‌ها هیچ راهی جز انتظار کشیدن ندارند، انتظاری که معمولا سال‌ها به طول خواهد انجامید.

## فرار مغزها ... بهرام رحمانی

### نمونه‌هایی از پناهجویان قربانی در سال 2010

یکی از دردناک‌ترین وقایع پناهجویان قربانی در سال 2010، برخورد قایق چوبی حامل پناهجویان به سخره‌های جزیره کریسمس در آب‌های استرالیا بوده است.

کشتی پس از اصابت به سخره‌های جزیره کریسمس، متعلق به استرالیا، در دریای متلاطم فرو رفت و بیش‌تر سرنشینان آن جان خود را از دست دادند. مقامات دولتی استرالیا تایید کردند که مأموران مرزی این کشور تا غروب چهارشنبه 25 آذر 1389 - 16 دسامبر 2010، 27 جسد را از آب گرفته‌اند. گفته می‌شود که 41 نفر توانسته‌اند خود را سالم به ساحل برسانند. از آن‌جا که عده سرنشینان قایق معلوم نیست، هنوز نمی‌توان از شمار قربانیان آمار دقیقی به دست داد. یکی از افرادی که در عملیات نجات شرکت داشته است، حدس می‌زند که در این فاجعه حدود 50 نفر جان خود را از دست داده و 33 نفر زخمی شده‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که یک قایق چوبی شش تا 9 متری با کابین‌هایی که توسط پارچه و پلاستیک پوشیده شده و حامل ده‌ها پناهجو بود در ساعات اولیه روز چهارشنبه، 24 آذر 1389، به دلیل نامساعد بودن هوا و متلاطم بودن اقیانوس، به سخره‌های ساحلی جزیره کریسمس، متعلق به استرالیا، برخورد کرد و غرق شد که در اثر این حادثه، دست‌کم 27 نفر کشته شده‌اند.

روزنامه استرالیایی «سیدنی مورنینگ هرالد»، به نقل از گزارش یکی از پزشکان این جزیره نوشته است؛ در گزارش کوتاه خود به موسسه پناهندگی جزیره تایید کرده که اکثر نجات یافتگان این سانحه ایرانی و عراقی هستند. یک عضو شورای جزیره کریسمس نیز به خبرگزاری رویترز گفته که: «وحشتناک بود. من یک نفر را دیدم که در مقابل من در حال مردن است و برای نجات آن‌ها هیچ کاری نمی‌توانستیم بکنیم... کودکان شاید سه یا چهار ساله خود را به تکه‌های چوب چسبانده بودند و کمک می‌خواستند... ما جلیقه نجات به سمت‌شان پرتاب کردیم اما بسیاری از آن‌ها نمی‌توانستند چند متر شنا کنند و به آن‌ها برسند.»

جزیره کریسمس، یک جزیره دورافتاده و مقصد نخست بسیاری از پناهجویان «غیرقانونی» ایرانی، عراقی و افغانی است که قصد پناهنده شدن به استرالیا را دارند. این پناهجویان پیش از ورود به استرالیا، به بازداشتگاه جزیره کریسمس فرستاده می‌شوند تا پرونده پناهندگی آنان

مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد. به گفته کارشناسان قایقی که با حدود 100 نفر سرنشین از بندری در اندونزی به طرف سواحل طوفانی «جزیره کریسمس» روانه شده بود، محقر و چوبی بوده است و سقف آن با پارچه و نایلون پوشیده بود. چنین قایقی آشکارا برای سفرهای دریایی مجهز و مناسب نبود.



اول آذر ماه سال جاری نیز جسد چهار پناهجوی ایرانی بر اثر خفگی در داخل کامیونی جان باختند، کشف شد. پلیس یونان، پس از کشف اجساد در غرب این کشور اعلام کرد جسد چهار پناهجو که احتمالاً ایرانی بودند بر اثر خفگی در داخل کامیونی که قرار بود آنان را به ایتالیا منتقل کند کشف شد.

فرانس پرس، به نقل از یک منبع آگاه پلیس یونان نوشت: اجساد قربانیان که همگی مرد بودند در داخل کانتینر کامیونی که پلاک ایتالیا داشت کشف شد. به گفته این منابع، نیروهای پلیس پس از مشاهده کامیونی که در یکی از جاده‌ها در نزدیکی امفیلوکسیا در غرب یونان متوقف شده بود به بازرسی این کامیون اقدام و این اجساد را کشف کردند.

بنابر اعلام بخش یونانی کمیساریای عالی آوارگان ملل متحد، فقط در مرز زمینی یونان با ترکیه که با رودخانه اوریوس در شمال شرقی مشخص شده است، 44 پناهجو از آغاز سال غرق شده‌اند.

**دوختن اعتراضی لب‌ها در استرالیا و یونان**  
پناهجویان برای رسیدن به حق مسلم خود، همواره به اعتراضات مختلفی دست می‌زنند.

برای مثال، 10 پناهجوی عراقی و ایرانی در استرالیا، به عنوان اعتراض دهان خود را دوختند.

دولت استرالیا می‌گوید حدود 10 پناهجوی عراقی، ایرانی و کردتبار در ماه اوت 2010، در یکی از بازداشتگاه‌های پناهندگان در جزیره‌ای کریسمس لب‌های خود را دوخته‌اند.

این اقدام چند روز پس از آن صورت گرفت که یکی از عراقیان بازداشتی در یک مرکز پناهندگان شهر سیدنی دست به خودکشی زد. به گزارش خبرگزاری «آسوشیتدپرس استرالیا»، کریس باون، وزیر مهاجرت استرالیا با اعلام این خبر به خبرنگاران در سیدنی گفت: «این خبر برای من و بیش‌تر مردم استرالیا خبری دردناک است.»

بنا بر این گزارش، این 10 فرد جزو 160

پناهجوی ایرانی، عراقی و کرد بودند که در اردوی پناهندگان «جزیره کریسمس»، از جزایر غربی استرالیا واقع در اقیانوس هند، دست به اعتراض زده بودند.

وزیر مهاجرت استرالیا، به خبرنگاران گفت: پناهجویانی که لب‌های خود را دوخته‌اند از دریافت کمک‌های پزشکی سر باز زده‌اند. وی همچنین افزود که اقدامات این پناهجویان تأثیری بر روی نحوه ارزیابی پرونده اقامتی آن‌ها در استرالیا نخواهد داشت.

کریس باون، به خبرنگاران گفت: «بسیار مهم است که همه بازداشتی‌های ما در بازداشتگاه‌ها بدانند که اعتراضاتی مثل این، تغییری در نتیجه درخواست روادید آن‌ها نمی‌دهد.»

سازمان‌های مدافع پناهجویان و حقوق بشر، بارها از دولت استرالیا خواسته‌اند تا از سیاست بازداشت پناهجویان دست بکشد و این گروه‌ها روز 6 اوت 2010، پس از دریافت خبر خودکشی «احمد العقبی»، پناه‌جوی عراقی که قرار بود از استرالیا اخراج شود، بار دیگر درخواست‌های خود از دولت استرالیا را تکرار کردند.

**یونان:** گروهی از پناهجویان ایرانی از روز یکشنبه 25 جولای 2010، در مقابل دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در شهر آتن دست به اعتصاب غذا زدند.



اعتصاب غذای پناهجویان پس از ملاقات آن‌ها با وزارت کشور یونان صورت گرفته است. در این ملاقات معاون وزیر کشور یونان به پناهجویان گفته است یونان به خاطر روابط بسیار صمیمانه‌ای که با ایران دارد نمی‌تواند شما را به عنوان پناهنده ببیند. بعلاوه همین معاون وزیر کشور گفته است هم‌اکنون بیش از 3 هزار نفر از پناهجویان ایرانی به دلیل ارتکاب جرم در زندان‌های یونان به سر می‌برند.

پناهجویان در یونان از هیچ مزایای قانونی برخوردار نیستند تنها چیزی که به پناه‌جویان در یونان تعلق می‌گیرد یک کارت قرمز است که آن‌ها به نشانه داشتن اقامت موقت است که هر 6 ماه یک بار تمدید می‌شود. گفته می‌شود رفتار پلیس یونان با پناه‌جویان غیرقابل تصور است و روزانه ده‌ها پناهجو مورد ضرب و شتم و حتک حرمت قرار می‌گیرد و در بازداشتگاه‌ها با نهایت بی‌رحمی پناهجویان را کتک می‌زنند.

## فرار مغزها ... بهرام رحمانی

## جمع‌بندی

از سال‌های 1980 جهانی شدن بیش از پیش اقتصاد جهانی، نقش جدید علم و تخصص‌های علمی و فنی در عرصه اقتصاد و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات به پدیده مهاجرت نیروی متخصص ابعاد جدیدی داده است. امروز با توجه به اهمیتی که نیروی انسانی کار متخصص پیدا کرده پدیده «فرار مغزها» در سطح جهانی، یک پدیده واقعی است که هیچ دولتی نمی‌تواند آن را پرده‌پوشی کند. در حالی که وزرای دولت احمدی‌نژاد و خود او، «فرار مغزها» از کشور را نفی می‌کنند محمدحسن دوگانی، نایب رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، به مهاجرت 60 هزار نفر از نخبگان کشور از جمله افراد برتر در المپیادهای علمی و نفرات برتر کنکور سال‌های گذشته، تاکید کرده که برای تحصیل از کشور خارج شده و به ایران باز نگشته‌اند.

(خبرگزاری مهر، 18 خرداد 1389)  
باین ترتیب، لزوماً همه کسانی که از ایران خارج شده‌اند تنها فعالان سیاسی نیستند و بسیاری از جوانان، ورزشکاران، سینماگران و هنرمندان نیز در غرب تقاضای پناهندگی کرده‌اند. اتحادیه اروپا، با توجه به این که منافع دولت‌ها را مدنظر دارد و به پدیده مهاجرت نیز نگاهی امنیتی دارد اما هیچ‌گاه نتوانسته نیاز کشورهای عضو را به نیروی کار «بدون تخصص» یا «با تخصص پایین» انکار کند. اجلاس «لیسبون» که با عنوان نیاز اروپا به نیروی کار «غیرمتخصص» شکل گرفت، به بررسی این پدیده پرداخت، که چگونه بدون فراموش کردن مشکلات امنیتی، اعضا می‌توانند به نیاز جامعه خود مبنی در تامین «نیروی کار غیرمتخصص خارجی» بپردازند. اجلاس «لیسبون» با محوریت «نیاز بدیهی، ترس بیرونی»، بیانگر این واقعیت بود که کشورهای عضو اتحادیه اروپا و بالاخص کشورهای حوزه اسکاندیناوی نیاز مبرمی به «کارگران ساده مهاجر» دارند، اما همواره این نگرانی در میان صاحبان قدرت مورد بحث است که در یک نگاه کلان، چگونه می‌توانند «امنیت اجتماعی» خود را حفظ کنند در حالی که نیاز خود را نیز برآورده سازند.

نگاه امنیتی به زیست و زندگی پناهندگان و مهاجرین در کشورهای غربی، نگاهی نادرست و سیاستی‌ست که در خدمت و تقویت گرایشات خارجی ستیزی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. به حاشیه راندن مهاجرین در حاشیه شهرهای اروپایی و بی‌کاری بالا در میان آن‌ها، از جمله عواملی هستند که

اعتراض مردم این مناطق به ویژه جوانان ر ا به دنبال دارد. شورش جوانان خارجی تبار در فرانسه، یکی از نمونه‌هایی بود که دول کشورهای اروپایی را تکان داد.

کارشناسان امور اجتماعی و شهری در فرانسه با اطلاق عبارت «مناطق حساس» و یا به معنای واقعی «گتو»ها، به بخش‌هایی که بالاترین حد بی‌کاری را دارند، نسبت به این وضعیت ابراز نگرانی می‌کنند. گزارش اداره نظارت ملی بر مناطق شهری حساس فرانسه، بیانگر آن است که بی‌کاری در بخش‌های شهری خارجی‌نشین نسبت به دیگر مناطق بسیار بیشتر است. در گزارشی که اخیراً از سوی کارشناسان به «مورس لوروا» وزیر امور شهری فرانسه تسلیم شده، آمده است که 43 درصد جوانان فعال ساکن در این مناطق بی‌کارند. بسیاری از شورش‌های مردمی و اعتراضات خیابانی در شهرهای مختلف فرانسه که در چند ساله گذشته رخ داده است، نیز ریشه در معضل بی‌کاری و فقر گسترده حاکم بر مناطق حساس دارد.



رییس اداره نظارت ملی بر مناطق حساس نیز گفته است، در این مناطق از هر 250 هزار نفر جوان آماده کار در سنین 15 تا 24 سال، بیش از 100 هزار نفر بی‌کارند. «مناطق حساس» شبیه فرانسه، در بسیاری از شهرهای بزرگ کشورهای عضو اتحادیه اروپا و اسکاندیناوی به چشم می‌خورند. نهایتاً گرایشات خارجی‌سنیزی، در پارلمان‌های کشورهای اروپایی و اسکاندیناوی، اشباع نیروی کار، غالب بودن نگاه امنیتی بر نگاه اقتصادی و همچنین نقش تصمیم‌گیرندگان و طراحان اجلاس لیسبون، سبب شده‌اند که هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا دست به تشدید قوانین مهاجرتی خود بزنند و هر کدام به نوبه خود تلاش کنند راه ورود خارجی‌ها را به درون مرزهای خود، تنگتر و محدودتر کنند.

مسئله تا زمانی که دلایل مهاجرت و پناهندگی از جمله ایرانیان بر طرف نشده، صحبت از بازگشت فعالین سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و همچنین متخصصین به کشور، تصویری غیرواقعی است. عامل اصلی خروج گسترده فعالین سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، متخصصین و جوانان از ایران، حکومت سانسور و اختناق اسلامی است. از این‌رو، تنها با برچیده شدن بساط سانسور و اختناق و دیکتاتوری در ایران، زمینه را برای بازگشت دست‌کم بخشی از ایرانیان خارج کشور، مساعد خواهد کرد.

## ۱۶ آذر

## روزی با تداوم بیش از نیم قرن مبارزه برای آزادی

از ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ به عنوان تجلی یک روز تاریخی تاکنون، جنبش دانشجویی ایران یک نفس مبارزه کرده و سرفصل‌های تازه‌ای در تاریخ مبارزاتی جامعه ما در راه تحقق آزادی و برابری گشوده است.



از مبارزه با دیکتاتوری رژیم شاه در سال ۱۳۳۲ تا شرکت در مبارزات سال‌های دهه ۱۳۵۰ و قیام بهمن ماه، مبارزه در برابر سرکوب رژیم جمهوری اسلامی در «انقلاب فرهنگی» و تا قیام ۱۸ تیر و مبارزات دوران کنونی، دانشجویان جامعه ما همواره در صف مقدم ایستادند و رژیم‌های شاه و خمینی هرگز نتوانستند بر این خیزش انقلابی چیره شوند و آن را از پا بیندازند.

اینک نیز، مبارزات دوران‌سازی در جامعه ما جریان دارد که دانشجویان سهم پر ارزشی در تداوم آن بر عهده دارند. درسی که از مجموعه این مبارزات حاصل آمده این است که دیکتاتوری صفت مشخصه هر رژیمی ست که بخواهد سیاست خود را بر اساس محرومیت توده‌های مردم از دسترسی به منابع حیاتی معیشتی و خودگردانی اجتماعی آنان قرار دهد و تلاش برای برابری را از میان ببرد. تلاش برای آزادی حد و مرز نمی‌شناسد و همه عرصه‌های زندگی اجتماعی را شامل می‌شود و در این مبارزه طولانی، دانشجویان دریافته‌اند که باید پیکار خود را با دیگر جنبش‌های اجتماعی هماهنگ سازند تا بتوانند به گوهر آزادی دست یابند.

از همین روست که کانون نویسندگان ایران در تبعید، در دفاع از آزادی اندیشه و بیان، گوهر آزادی را برای دسترسی به دنیای فارغ از هرگونه ستم، امری اساسی می‌داند و پیکار دانشجویان را یک بخش بنیانی از این مبارزه برای رهائی می‌شمارد.

روز دانش‌جو مبارک باد.

کانون نویسندگان ایران در تبعید

۱۶ آذر ۱۳۸۹

\*\*\*

## اطلاعیه‌ها

اطلاعیه کانون نویسندگان ایران (در تبعید)  
درباره دستگیری فریبرز رییس‌دانا

فریبرز رییس‌دانا، عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران و استاد اقتصاد، در اولین ساعت روز یکشنبه ۲۸ آذرماه در خانه‌اش مورد هجوم ماموران امنیتی رژیم قرار گرفت و بازداشت شد. در این هجوم، ماموران امنیتی تمامی وسائل ارتباطی رییس‌دانا(به ویژه کامپیوتر دستی و سی‌دی‌های حاوی نوشته‌های او را با خود بردند). دستگیری رییس‌دانا در پی یک گفتگوی تلویزیونی و انتقاد از «هدفمند کردن کردن یارانه‌ها» صورت گرفت که احمدی‌نژاد ساعاتی پیش از آن، آغاز آن را اعلام کرده بود.

رییس‌دانا در این اظهار نظر گفت: «... من می‌دانم که (دولت) چند هدف دارد. یکی این‌که بگذارد این پرداخت‌های نقدی تأخیر شود و در زیر تابش تورم و به تدریج از بین برود. بعد هم گروه‌های خودی را تشخیص بدهد و بیاورد این نقدینه‌ها را بگذارد در کف دست‌شان و از طرف دیگر هم از شر هزینه‌های بودجه خلاص شود و بتواند بودجه را به سمت خریدهای تسلیحاتی یا خریدهای دیگری که دارد، هدایت کند.» او همچنین گفت که «دولت‌های قبلی هم سعی داشتند که یارانه‌ها را حذف کنند، اما هیچ‌کدام مثل محمود احمدی‌نژاد حمایت ارتش و سپاه و نیروهای نظامی را نداشتند.»

دستگیری فریبرز رییس‌دانا، نمونه بارز دیگری از هجوم به کسانی است که بخواهند در مورد این سیاست احمدی‌نژاد به انتقاد بپردازند. چرا که در جریان اجرای طرح «هدفمندسازی یارانه‌ها»، فرمانده نیروی انتظامی و دیگر مسئولان دولتی بارها گفته بودند که با «فتنه‌گران اقتصادی» برخورد خواهد شد. وزیر اطلاعات نیز، هفته اول مهر ماه در کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی حاضر شد و در جمع اعضای این کمیسیون اعلام کرد که «جریان فتنه» در ایجاد اخلاص در اجرای «هدف-مند کردن یارانه‌ها» نقش دارد. حیدر مصلحی در کمیسیون امنیت ملی مجلس اعلام کرده بود که «سرنخ‌هایی در داخل و خارج کشور مبنی بر ایجاد اخلاص در هدفمند کردن یارانه‌ها وجود دارد و نشان می‌دهد که جریان فتنه قصد دارد تا مردم از اجرای این قانون بترساند.»

سیاست دولت احمدی‌نژاد، در درجه اول هجوم همه جانبه به فعالین سیاسی و

اجتماعی منتقد سیاست‌های دولتی است. در ماه‌های گذشته نیز اقداماتی برای سرکوب کسانی صورت گرفته است که به بی‌حقوقی عمومی انتقاد دارند. این هجوم به شکل دستگیری جمع وسیعی از دانش‌جویان، وبلاگ‌نویسان و روزنامه‌نگاران، فعالین جنبش زنان و فعالین کارگری است که به شرایط بسیار دشوار کنونی زندگی در جمهوری اسلامی و اجرای طرح «هدفمند کردن یارانه‌ها» اعتراض دارند. در این رابطه به ویژه دستگیری و کلاهی دانش‌جویان و کارگران زندانی و فعالین جنبش زنان جلوه بسیار روشنی به خود گرفته است که از جمله آن‌ها می‌توان به دستگیری نسریین ستوده، همسر رضا خندان(از اعضای هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران) و وکیل کارگران زندانی اشاره کرد. بنا به قطعنامه خبرنگاران بدون مرز، امسال جمهوری اسلامی به عنوان بزرگترین زندان روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان مطرح شده است.

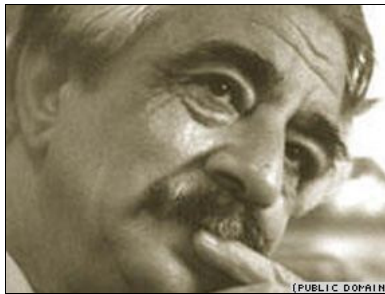
علی‌رغم این تهدیدها، سیل اعتراض به سیاست «هدفمند کردن یارانه‌ها» در تمام گستره جامعه جریان دارد و همین امروز خبر رسیده است که رانندگان کامیون در بسیاری از شهرهای ایران جاده‌ها را در اعتراض به گران شدن بنزین بسته‌اند. با اعلام خبر دستگیری فریبرز رییس‌دانا، بی‌درنگ یک حرکت دفاعی برای آزادی وی در پاریس تشکیل شده است که نمایندگانی از برخی از احزاب کارگری اروپا، جمعی از استادان دانشگاه و فعالین سیاسی در آن شرکت دارند. ناصر زرافشان نیز که خود عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران است، وکالت رییس‌دانا را به عهده گرفته. زرافشان، پیش از این نیز وکیل پرونده قتل مختاری و پوینده بود که به همین خاطر پنج سال زندانی شد.

کانون نویسندگان ایران در تبعید، بنا بر منشور آزادی خواهانه خود در دفاع از آزادی اندیشه و بیان، دستگیری فریبرز رییس‌دانا، دانش‌جویان، فعالین جنبش کارگری، فعالین جنبش زنان و کلاهی آنان و روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان را به شدت محکوم می‌کند و این اقدام تبعه‌کارانه رژیم جمهوری اسلامی را گامی دیگر در راستای ایجاد خفقان هرچه وسیع‌تر و از بین بردن حق دفاع از خود می‌شناسد کانون نویسندگان ایران در تبعید خواستار آزادی هرچه سریع‌تر همه زندانیان سیاسی است و می‌کوشد در راستای افشای جنایت‌های رژیم جمهوری اسلامی با تمام توان خود حرکت کند.

کانون نویسندگان ایران در تبعید  
۲۹ شهریور ۱۳۸۹

اطلاعیه کانون نویسندگان ایران  
درباره بازداشت فریبرز رییس‌دانا

مردم آزاده!  
دکتر فریبرز رییس‌دانا، اقتصاددان، نویسنده، مترجم و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران نیمه شب ۲۷ آذر با یورش ماموران لباس‌شخصی به منزلش دستگیر شده است.



در کشوری که به تازگی «نماینده» اش در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرده است ایران آزادترین کشور جهان است، اقتصاددانی را ظاهراً به اتهام اظهارنظر درباره «طرح تعدیل اقتصادی و حذف یارانه‌ها» کم‌تر از دو ساعت پس از مصاحبه بازداشت می‌کنند، تنی چند از روزنامه‌نگاران را از محل کار خود می‌ربایند، وکیلی را به اتهام دفاع از متهمان سیاسی به بند می‌کشند و مرگ تدریجی او از گرسنگی را با بی‌اعتنایی نظاره می‌کنند، کارگری را که جرمی جز دفاع از حقوق صنفی و سندیکایی ندارد ماه‌ها در زندان نگاه می‌دارند و ...

کانون نویسندگان ایران، که به حکم منشور خود آزادی بیان را حق بی‌چون و چرای هر شهروند ایرانی، بی‌هیچ حصر و استثناء، می‌داند خواهان آزادی بی‌قید و شرط فریبرز رییس‌دانا و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی دیگر است.

کانون نویسندگان ایران  
۳۰ آذر ۱۳۸۹

شامگاه سه‌شنبه ۲۱ دسامبر - ۳۰ آذر ۱۳۸۹؛ مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه مصوب کمیته سوم مجمع عمومی درباره ایران را تأیید کرد. این قطعنامه ماه گذشته (۱۸ نوامبر ۲۰۱۰) در کمیته سوم مجمع عمومی، موسوم به «کمیته حقوق بشر» تصویب شده بود.

پیش‌نویس این قطعنامه توسط نماینده کانادا به کمیته سوم ارائه شده بود که با رای مثبت ۸۰ کشور به تصویب رسید. ۵۷ کشور نیز رای ممتنع و ۴۴ کشور رای منفی به آن دادند.

در قطعنامه‌ای که روز سه‌شنبه به تأیید مجمع عمومی سازمان ملل رسید از مجازات‌های غیرانسانی رایج در ایران مانند سنگسار، قطع عضو و یا شلاق‌زدن به شدت انتقاد شده است. از دیگر موارد مورد انتقاد در این قطعنامه، شمار بالا و افزایش مداوم اعدام‌ها در ایران است. این اعدام‌ها در مواردی شامل محکوماتی نیز بوده که در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند.

## هموندان گرامی با درودهای فراوان

همان‌طور که آگاهید جامعه ما، آستن رویدادهای گوناگون است. بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همه بخش‌ها و مناطق کشور را فراگرفته است. فقر و فلاکت اقتصادی از یکسو و سانسور و اختناق و سرکوب از سوی دیگر، نفس اکثریت مردم ایران را بریده است. حکومت اسلامی، غیر از زبان زور و خشونت، ترور و میلیتاریسم، هیچ زبان دیگری نمی‌فهمد. ارگان‌های پلیسی-امنیتی و قضایی حکومت، اختیار تام دارند تا هر مخالف و منتقدی را دستگیر و زندانی و شکنجه و اعدام کنند. در زندان‌های حکومت اسلامی، با زندانیان سیاسی همچون اسرای جنگی و عامل «دشمن» رفتار می‌شود و آن‌ها را در زیر شکنجه و امی دارند، به جرایمی که مرتکب نشده‌اند، اقرار کنند. در واقع هیچ شهروندی در ایران، از تعرض و بی‌حرمتی و تحقیر نیروهای حکومتی در امان نیست. زندان‌ها مملو از روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان، وکلای دادگستری، فعالین جنبش دانشجویی، جنبش زنان، جنبش کارگری و همچنین اقلیت‌های ملی و مذهبی است. حکومت اسلامی، در ابتدایی‌ترین مسایل خصوصی شهروندان جامعه مستقیماً دخالت می‌کند و حتی با کودکان زندانی و زندانیان غیرسیاسی غیرانسانی-ترین رفتارها را دارد. در واقع ماشین آدم‌کشی حکومت اسلامی، لحظه‌ای نمی‌ایستد و با تمام سرعت در حال حرکت است و در مسیر خود همه چیز را تخریب و همه کس را زیر می‌گیرد. تهدیدها

و پیگردهای پلیسی سبب شده است که تعداد بی‌شماری از فعالین عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ورزشی کشور را ترک کنند و در جوامع پناهنده-پذیر نیز با مشکلات بسیار روبرو شوند.

در چنین شرایطی، پرسش‌های بسیاری به ویژه از روشنفکران جامعه که بنا به موقعیت‌شان در قبال جامعه، تعهد داوطلبانه و آزادانه دارند مطرح است. بی‌تردید نویسنده امروزی، بدون آن‌که دچار تعصب باشد، تعهد اجتماعی داوطلبانه و آزادانه را در نظر می‌گیرد. توجه و باور به قدرت اتحاد و همبستگی انسانی برای تغییر وضع موجود، اعتقاد به منشا اثر بودن آثار و تولیدات نویسنده در تحولات اجتماعی و فرهنگی امری مهم و سازنده است.

با این رویکرد، بر آن شدم که برخی پرسش‌ها را در این جا طرح کنم تا اعضای محترم کانون نویسندگان ایران (در تبعید) و انجمن قلم ایران (در تبعید) و همچنین اعضای کانون نویسندگان در داخل کشور و یا نویسندگانی دیگری که به هر دلیل عضو کانون نویسندگان و انجمن قلم ایران در تبعید نیستند اما در مقابل جامعه احساس مسئولیت می‌کنند، در صورت تمایل به این سؤالات پاسخ بدهند.

این پاسخ‌ها به ترتیبی که می‌رسد در شماره‌های آینده بانگ، نشریه کانون نویسندگان ایران (در تبعید) درج خواهند شد.

این پرسش‌ها به شکل زیر است:

**۱- اوضاع کنونی جامعه ایران را در کل چگونه تحلیل می‌کنید و به ویژه از منظر آزادی اندیشه و بیان شرایط موجود را چگونه می‌بینید؟**

**۲- به نظر شما، نقش روشنفکران و به ویژه اولویت کار و تلاش و مبارزه این دوره کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید کدام است؟**

**۳- جامعه آینده ایران را چگونه تصویر می‌کنید؟ یعنی تلاش و مبارزه اقشار گوناگون جامعه و به ویژه روشنفکران، باید با کدام استراتژی و جهت‌گیری مبارزاتی همراه باشد تا جامعه پاینده ما، به یک جامعه انسانی برسد که در آن، قبل از هر منفعت و مصلحت حکومت، حرمت و موجودیت انسان اکیدا حفظ شود و حاکمیت بدون توجه به ملیت، جنسیت و باورهای سیاسی و مذهبی شهروندان، به حقوق و آزادی و برابری آن‌ها، در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی یک‌سان بنگرد و شهروند درجه یک و دو و سه وجود نداشته باشد و همه مردم جامعه، از آزادی اندیشه و بیان و از آزادی‌های فردی و اجتماعی برخوردار باشند؟**

پیشاپیش از همه شما که به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهید سپاسگزارم.  
بهرام رحمانی

